

آندره مکین

وصیت نامه ی فرانسوی

ترجمه ساسان تبسمی

ISBN 978-964-13-0810-0
ISBN 978-964-13-0810-0

ویرایش و ترجمه ساسان تبسمی

شماره شابک: 978-964-13-0810-0

مجموعه کتابخانه آندره مکین

تعداد صفحات: 106

موضوع: حقوق، فلسفه، تاریخ، ادبیات، زبان

شماره شابک: 978-964-13-0810-0

شابک: 978-964-13-0810-0

ISBN 978-964-13-0810-0

www.mohandesan.com

info@mohandesan.com

تعداد صفحات: 106



پیشگفتار مترجم

ترجمه‌ی رمانی که پیش روی شماست، دومین و برجسته‌ترین اثر آندره مکین، پس از استقبال پرشور و غیرمنتظره‌ی ترجمه‌ی پیشین من از «موسیقی یک زندگی» اوست که اینک به علاقه‌مندان مدرن‌ترین نویسندگی روسی تبار فرانسوی تقدیم می‌دارم.

مکین، زاده‌ی عصر خروشچف است، به تاریخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۵۷ در «کراسنویارسک» (Krasnoïarsk) از ایالت سبیری، یعنی اولین دوره‌ی گشایش فضای سیاسی - فرهنگی شوروی پس از استالین، اما فرهنگ آموخته و بزرگ شده‌ی عصر استالینسم برژنف. سبیری او جایی است که «سولژنیستین» از آن «گولاگ» را می‌سازد و پیش‌تر از او، «پاسترناک» که «دکتر ژبواگو» را آفرید. اما مکین خوش‌اقبال‌تر است. از گذشته و از سابقه‌ی خانوادگی‌اش، رگ و ریشه‌ی بسیار استوار و محکمی از فرهنگ و زبان فرانسه به ارث می‌برد. در فرانسه ادبیات روس تدریس می‌کند، اما کتاب‌هایش را مثل ولادیمیر نابوکوف به فرانسه می‌نویسد؛ به حدی درخشان که انگار با این زبان و ادبیات‌اش بازی می‌کند. فرانسوی‌ها که دلباخته و شیدای این ادا و «سبکی» او هستند، به او ملیت، جوایز متعدد و امکانات لازم می‌دهند و مکین به عنوان پدیده‌ی مسلمی از استعداد تازه‌ی ادبیات روسیه‌ی جدید یا ادبیات جدید «روسی - فرانسوی» معرفی

می‌شود. بی‌جهت نیست که بزرگانی چون کوندرا، بولگاکف، مایوکوفسکی و حتا پل آستر از او با صفاتی چون پدیده‌ی نابغه، اعجوبه، جادوگر و به حق استثنایی یاد می‌کنند. آن‌ها که در ادبیات معاصر از شأن و موقعیت والایی برخوردارند، نوشته‌های مکین را چون کمپوزسیون رنگ‌ها و ترکیب بدیع‌شان در آفرینش یک تابلوی نقاشی جاندار و ماندگار، مثال می‌زنند. به حق، لطافت و ظرافت رماتیسیم و سور‌آلیسم فرانسوی او در ترکیب با رآلیسم درخشان ادبیات روس، در دوران شکوفایی‌اش و قبل از فرو افتادن گیوتینِ اختناقِ استالین بر گردن برافراشته و سیمای زیبا و پر بار آن، انکارناپذیر است.

رمان وصیت‌نامه‌ی فرانسوی شما، تنها به استثنایی‌ترین رویداد ادبی فرانسه - احراز بزرگ‌ترین جوایز ادبی گنکور و مدیسی متفقاً - اکتفا نکرده است، چرا که در ماه مارس ۲۰۰۳، عنوان برجسته‌ترین رمان پنج دهه‌ی دوّم قرن را از سوی داورانِ Académie des Arts et des Lettres به خود اختصاص داد. بخوانید و خود قضاوت کنید...

در پایان، از مساعدت دوست گرامی و فرهیخته‌ام، حمید نعمت‌اللهی، بی‌نهایت سپاسگزارم.

ساسان تبسمی

از همان بچگی‌ها، حدس می‌زدم که این تبسم شگفت‌انگیز می‌بایست برای هر زنی نمایانگر یک پیروزی کوچک و فوق‌العاده باشد. بله، انتقامی زودگذر از ناامیدی‌ها، از بی‌نراکتی مردان، از کمیابی آنچه زیبا و حقیقی در این دنیاست. اگر آن زمان می‌دانستم چه بگویم، چنین لبخندی را «مظهر زنانگی» می‌خواندم... اما افسوس که در آن روزها زبانم عاجز و بسته بود و تنها دلخوشی‌ام، یافتن ردپای زیبایی صورت برخی، میان چهره‌های زنانه دیگری بود که عکس‌های‌شان درون آلبوم‌های ما قرار داشت.

این خانم‌ها می‌دانستند که برای زیبا بودن، می‌بایست یکی دو ثانیه قبل از فلاش کورکننده، چند کلمه‌ی مرموز فرانسوی را که چندان اطلاعی هم از مضمون‌اش نداشتند، هجی کنند، مثلاً: «سیبِ کو - چو - لو...»^۱، آن وقت گویی جادویی اتفاق می‌افتاد - دهان، به جای عقب کشیدن در دامن سعادت‌ی شاد و ماندگار و یا احتمالاً، فرورفتن در انقباض یا بازماندن ناشی از هراس لب‌ها، چنان حالتِ پر ملاحظت و نمکینی به چهره آن‌ها می‌داد که انگار تمامی اجزای

1- Pe-tite... Pom-me